

«خسرو سینایی» سازنده فیلم «عروس آتش» تحسین شده توسط مردم و منتقدان در هجدهمین جشنواره فیلم فجر:



سینمای مستقل را مستند نام ندهیم

جلال برزگر

در شماره پیش میزگردی با حضور سه تن از عوامل فیلم عروس آتش ساخته خسرو سینایی را دیدید و در این شماره صحبت‌های سینایی را پیش رو دارید. خسرو سینایی با سابقه بیش از ۳۰ سال در سینمای مستند و داستانی روبرویم نشسته است. سخن گفتن با او در ابتدا دشوار می‌نماید. اما او همیشه با جوانها برخورد باز و راحتی داشته و این بار هم چنین است. حتی اشکال فنی ضبط صوت را طبیعی می‌داند و می‌گوید: اگر غیر از این باشد، عجیب است و بدین ترتیب و کم‌کم، یخهای درونی من آب می‌شود و آنقدر حرف می‌زنم که برای رعایت ایجاز مجبور به حذف بیشتر آنها می‌شوم. در مطلب زیر سعی کرده‌ام با سینایی در حد فیلم هنوز به نمایش عمومی در نیامده عروس آتش باقی‌نمانم و به منظور تکمیل صحبت‌های میزگرد شماره پیش، بیشتر درباره نظر و تجربیات او در سینمای مستند، داستانی و آن چه خود سینمای مستقل می‌نامد؛ کند و کاو کنم. باشد که برای همه علاقه‌مندان سینما و آنها که علاقه‌مند به کشف واقعیت‌های کمتر به چشم آمده اطراف ما هستند، مفید واقع شود، چرا که سینایی خود یکی از واقعیت‌های مهم اما مهجور پیرامون ماست. او در خانواده‌ای که پرداختن به حرفه طبابت در آن موروثی بود، برای تکمیل پزشکی به وین فرستاده شده و در آنجا معماری و موسیقی و سینما خوانده و بیش از ۳۰ سال است که در عین تلاش مستمر و استحقاق کمتر به چشم آمده. این مطلب یک عیدی است به شما، از همین نزدیکی، از دور و بر خودمان و از واقعیت.

این نیست که کدام بهتر است. می‌توانیم سینمای متکی بر داستان و بازیگر داشته باشیم که سینمای خوبی باشد و می‌توانیم فارغ از اینها و مستقل از ادبیات هم سینمای خوبی داشته باشیم. هر دوی اینها خوب و بد می‌توانند داشته باشند که بستگی به خلاقیت سازنده فیلم دارد.

○ به نظر می‌رسد در فیلم عروس آتش، نسبت به آثار پیشینتان، بیشتر با سینمای قصه‌گو مواجه هستیم، یعنی روح داستانی که به کار دمیده شده بیشتر از باقی آثارتان است.

● صد در صد. خوب و بد سینما به داستانی یا غیر داستانی بودنش نیست، بلکه به عملکرد اصیل و خلاق در مسیر انتخاب شده توسط فیلمساز بستگی دارد. متأسفانه از این که امکان دیدن فیلم‌های کوتاه من که در دهه ۵۰ ساخته شده‌اند، برای عده بسیاری فراهم نشد. فیلم‌هایی مثل خط خوردگی، فرار، سکوت رنگین، سرگردانی بچه‌ها میان فرامین خدا و رفتار

ندارند. ما می‌توانیم هر واقعیتی را بهانه و دستمایه قرار دهیم و بسته به نوع ذهنیت و خلاقیتمان از واقعیت فراتر برویم تا حدی که تنها وسایل مورد استفاده واقعی باشند. مثلاً در فیلم «شرح حال» که حدود سی و چند سال پیش ساختم، یک سری مجسمه آهنی در فیلم داریم، بعد کبوتری توسط آنها اغفال و بعد شکنجه، کشته، خرد شد و تبدیل به آهن می‌شود. مجسمه‌ها واقعی‌اند، اما بیان کاملاً فارغ از کار مستند و تمرینی برای رسیدن به بیان شاعرانه سینمایی است، یا فیلم گزیلا درباره خانمی نقاش است، اما ساختارش ارتباطی به سینمای مستند ندارد. این فیلم‌ها را به عنوان مستند معرفی می‌کنند و این به نظرم درست نیست. در مستند باید به یک واقعیت استناد شود و در این نوع فیلم‌ها چنین نیست و همان‌طور که گفتم، عنوان مستقل را مناسب آنها می‌دانم. یک تأکید دیگر هم بکنم، وقتی صحبت از سینمای فارغ از داستانی می‌کنم، مفهوم

باشد، پس طبعاً وابسته به ذهنیت آدمی است که اثر را به وجود می‌آورد و از دیدگاه خود موضوع را دیده و تحلیل می‌کند، اما یک مشکل اساسی که باید به قصد برطرف شدن به آن پردازیم، این است که اشتباهی طی سالیان بین ما جا افتاده و آن این که هر فیلم اگر به مفهوم متداول داستان نداشته باشد یا بازیگران شناخته شده در آن نباشند و نقاشی متحرک یا عروسکی هم نباشد، به اسم فیلم مستند مطرح می‌شود. که به نظر من اصلاً درست نیست. سالهاست پیشنهاد کرده‌ام به جای مستند، نام مستقل بر این فیلم‌ها بگذاریم، فیلم‌هایی که در واقع وابسته به ادبیات مکتوب داستانی نیستند، ولی به هیچ وجه هدف‌های سینمای مستند را تعقیب نمی‌کنند، بلکه در فضایی خارج از داستان نویسی ادبی و بهره‌گیری از بازیگران حرفه‌ای به فضاهایی می‌رسند که به مفهوم متداول فیلم داستانی نیستند، اما هیچ ارتباطی هم با مفهوم مستند

○ آقای سینایی، با توجه به این که هر فیلم اعم از مستند یا داستانی از نگاه و زاویه دید سازنده آن روایت شده یا بازتاب می‌یابد؛ دیگر عنوان مستند چه معنایی دارد؟

● خسرو سینایی: با وجود این که عمری را با سینمای مستند سر کرده‌ام، به دلایل شخصی مایل به اظهار نظر درباره این نوع سینما نیستم و ترجیح می‌دهم در شرایط موجود کسانی که خود را متولی سینمای مستند می‌دانند، در این باره اظهار نظر کنند، اما طبیعی است که هر کس کار خلاق انجام می‌دهد، از دیدگاه و ذهنیت خودش به موضوع می‌پردازد و این بحثی قدیمی است که آیا اصولاً ما چیزی به نام مستند بی طرف داریم؟ شخصاً معتقدم که نمی‌توانیم داشته باشیم، زیرا هر آدمی ذهنیت خود را دارد که در اثرش انعکاس می‌یابد و اگر چنین نباشد، آن اثر دیگر فاقد اصالت است. اگر اصل را بر این بگذاریم که اثر باید دارای اصالت هنرمندانه